

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل

رسول صادقی*، علی محمد قدسی**، جواد افشار کهن***

چکیده: در وضعیت کنونی جامعه ایران، پدیده ازدواج تحت تأثیر تحولات ساختاری و ارزشی جامعه از یکسو و شرایط بی‌سازمانی و ناهماهنگی خرده نظام‌های اجتماعی از سوی دیگر، بعنوان یک مسئله اجتماعی نمود یافته است. با توجه به اهمیت موضوع و ساختار جوان جمعیتی ایران، این مقاله به بررسی نگرش و دیدگاه جوانان مجرد پیرامون ازدواج، ابعاد و جهات آسیب‌زای آن می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۹۰ درصد جوانان معتقدند موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران، بعد از اشتغال به کار و دارا بودن شرایط مالی مناسب بوجود می‌آید، همچنین حدود نیمی از جوانان پاسخگو مناسب‌ترین موقعیت ازدواج برای دختران را بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی و کسب استقلال اقتصادی بیان نموده‌اند که در واقع بیانگر نوعی تغییر ارزشی در جامعه و ظهور نقش‌های اجتماعی جدید برای زنان می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که مدرنیزاسیون و ابعاد آن همراه با اعتقادات و ارزش‌های قومی فرهنگی از عوامل تعیین‌کننده نگرش‌ها و ایده‌آل‌های ازدواج جوانان می‌باشند. در خصوص تبدیل شدن ازدواج به یک مسئله اجتماعی، جوانان بر این عقیده بوده‌اند که عوامل مختلفی مانند مشکل دستیابی جوانان پسر به فرصت‌های اقتصادی و نداشتن شغل دائم، پیدا نکردن فرد مناسب، نابرابری جنسیتی در فرایند ازدواج (نداشتن حق انتخاب همسر توسط دختران) و... زمینه‌ساز مسئله ازدواج شده است. با توجه به مسئله‌شدن ازدواج و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، ازدواج موقت بعنوان یک راه‌حل برای برون رفت از این وضعیت پیشنهاد شده و مورد توجه قرار گرفته است. حال آنکه اعتبارسنجی این راه‌حل در میان جوانان نشان داد که ازدواج موقت بعنوان حل مسئله، از اعتبار و پذیرش اجتماعی برخوردار نیست و با مخالفت شدید ارزشی جوانان همراه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: انتقال خانواده، تغییرات ساختاری، تغییرات ارزشی، مسئله ازدواج، موقعیت ایده‌آل ازدواج، ازدواج موقت.

مقدمه

ازدواج به عنوان مبنای شکل‌گیری نهاد خانواده، مناسک گذار افراد از جوانی به بزرگسالی و مهم‌ترین واقعه در زندگی فردی، همواره در افکار عمومی جامعه و در تحقیقات علمی و دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته است. ازدواج یک نهاد اجتماعی و حقوقی مهم می‌باشد که از طریق فراهم کردن مجموعه خاصی از حقوق، امتیازات، تعهدات، مسئولیت‌ها و انتظارات نقشی جدید، از روابط زناشویی پایدار حمایت می‌کند و موجب بقا و تداوم نهاد خانواده و ساختار اجتماعی می‌شود. ازدواج به همراه سازوکارهای تحقق و نظم و ترتیبات مرتبط با آن، یکی از مهمترین پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و زیستی است که هم متأثر از تحولات جامعه و هم تأثیرگذار بر آن می‌باشد. در این زمینه آلن ژیرارد^۱ ضمن بیان این نکته که در میان تمامی آداب، مراسم و وقایع اساسی زندگی انسان، ازدواج از اهمیتی بسزا برخوردار است، بیان می‌کند که «هم از نظر فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. از اینرو، هیچ نهادی نیز همانند آن تحت‌تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد» (میشل، ۱۳۵۴: ۱۵۱).

یکی از موارد بارز دگرگونی‌های اجتماعی بخصوص در کشورهای پیرامونی، سیاست‌های مبتنی بر نوسازی و تغییرات فرهنگی متأثر از آن می‌باشد. در فرایند نوسازی مشاهده می‌شود که انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماع سنتی بوجود می‌آید. در این شرایط افراد به صورت اتم‌هایی مجزا به نظر می‌رسند که بدنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند، یعنی منافع شخصی بر مصالح جمعی اولویت می‌یابد و تغییر در ایده‌ها و ارزش‌های افراد در جهت استیلاي سکولاریسم، مادی‌گرایی و فردگرایی صورت می‌گیرد، در نتیجه خانواده محوری به سوی فردمحوری و همچنین ازدواج نهاد محور به سمت ازدواج رابطه محور تغییر پیدا می‌کند. این شرایط می‌تواند مخل نظم اجتماعی و تضعیف‌کننده وجود ضروری حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه برای هر جامعه باشد. همزمان با این تحولات، نوعی گذار و نابسامانی در نهاد ازدواج و خانواده صورت می‌گیرد که می‌تواند در حوزه مسائل و آسیب‌های اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

از اینرو، نهاد ازدواج تحت‌تأثیر تغییرات ساختاری^۲ و فرهنگی^۳ و بطور کلی متأثر از جایگاه جوامع در گذار از نظم سنتی به نظم مدرن دچار تغییرات چشمگیری شده است، تا جایی که امروزه در ادبیات

1 . Alain Girard
2 . Structural Changes
3 . Cultural Changes

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۸۵

جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی موضوعاتی نظیر انتقال خانواده^۱، انتقال ازدواج^۲، و انتقال دوم جمعیت‌شناختی^۳ مطرح شده است. در زمینه انتقال و تغییرات ازدواج، مورگان^۴ (۱۹۸۲) تغییر ماهیت ازدواج را در قالب تغییر از مدل نهادی^۵ به مدل رابطه‌ای / معاشرتی^۶ مورد بررسی قرار می‌دهد. استون^۷ (۱۹۷۹) نیز در این خصوص معتقد است که افزایش آغازین ازدواج‌های رابطه‌ای / معاشرتی در انگلستان به قرن هیجدهم و در میان طبقات اجتماعی بالا و متوسط جامعه بر می‌گردد، وی همچنین بیان می‌کند که این افزایش با افزایش فردگرایی و آزادی فردی در انتخاب همسر همراه بوده است.

بر این اساس با تغییر مدل و الگوی ازدواج، تغییرات زیادی در حوزه ازدواج، مبنا و ماهیت آن ایجاد شده است که جدول شماره ۱ با مقایسه تطبیقی مدل‌های نهادی و رابطه‌ای ازدواج، آن را به وضوح نشان می‌دهد. البته بایستی توجه داشت که هر دوی این مدل‌ها، به‌عنوان نوع ایده‌آل و آرمانی محسوب می‌شوند و در ازدواج‌های مدرن معمولاً ترکیبی از هر دوی آنها وجود دارد.

جدول شماره ۱- تفاوت اشکال و مدل‌های نهادی و رابطه‌ای ازدواج

ازدواج به عنوان یک رابطه	ازدواج به عنوان یک نهاد
<ul style="list-style-type: none"> • آزادی بیشتر در انتخاب همسر • جدایی نسبی ازدواج از الزامات شدید اجتماعی و خویشاوندی • تأکید بر ابعاد عاطفی و بین فردی ازدواج • اهمیت بعد خصوصی ازدواج • ازدواج به عنوان مبنای بزرگسال قلمداد شدن فرد • برابری نسبی در درون ازدواج؛ همراهی • تأکید مثبت بر تمایلات جنسی متقابل (دوطرفه) // اهمیت مسائل جنسی بعنوان نمادی از مسائل زندگی زناشویی 	<ul style="list-style-type: none"> • آزادی کمتر در انتخاب همسر • تأثیرپذیری ازدواج از الزامات شدید اجتماعی و خویشاوندی • تأکید بر ابعاد اقتصادی ازدواج مانند مالکیت و تقسیم‌کار جنسیتی • اهمیت بعد عمومی ازدواج • ازدواج به‌عنوان مجموعه‌ای از روابط و شبکه‌های اجتماعی • نابرابری نسبی در درون ازدواج؛ پدرسالاری • تأکید کمتر بر تمایلات جنسی متقابل (دوطرفه) // اهمیت رابطه جنسی برای تولیدمثل و حاملگی

مأخذ: رینولدز و مانزفیلد ۱۹۹۹.

- 1 . Family Transition
- 2 . Marriage Transition
- 3 . Second Demographic Transition
- 4 . Morgan, P.
- 5 .Institutional Model
- 6 .Relational/ Companionate Model
- 7 .Stone, L.

بدین ترتیب همراه با تحولات جوامع در بستر نوسازی و توسعه، تغییرات و دگرگونی‌های محسوسی در نهاد خانواده و ازدواج صورت می‌گیرد. با اینحال در این مسیر، ناهماهنگی و عدم سازگاری خرده نظام‌های اجتماعی با شرایط درحال تغییر، زمینه‌ساز مسائل اجتماعی متعددی در حیطه ازدواج و خانواده می‌شود. بر این اساس نوع ازدواج سهل و آسان و تابع ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در گذشته، تبدیل به موضوعی بغرنج و محنت آفرین در زمان کنونی شده تا جایی که بایستی آنرا در حیطه مسائل اجتماعی مورد کندوکاو قرار داد. در همین راستا لازم است که نخست نگاه دقیق‌تری به تعاریف و برداشت‌های ارائه شده از مسئله اجتماعی داشته باشیم تا به نحو مناسب‌تر تبدیل شدن پدیده ازدواج به یک مسئله اجتماعی و نتایج مترتب بر آن را درک نمائیم. بر اساس تعریف برخی از صاحب‌نظران، زمانی یک پدیده تبدیل به مسئله اجتماعی می‌شود که متضمن شرایط مشکل‌زایی باشد و در خود حاوی رنج و محتنی برای بخش قابل توجهی از مردم باشد (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۳). بدینسان، مسائل اجتماعی موجب نوعی نگرانی عمومی می‌شوند. البته این بدان معنا نیست که مردم یا آنچه «خیل انبوه جمعیت» خوانده می‌شود، الزاماً درک درست و موجهی از مشکلات اجتماعی دارند و قضاوت کنندگان نهایی در مورد این مسائل اند (مرتین، ۱۳۷۶: ۲۷ و ۲۸)، بلکه عمدتاً تأکید نخبگان جامعه بر وجوه عینی و ذهنی مسائل اجتماعی است که در شناخت و فرموله کردن مسائل اجتماعی مهم و اساسی می‌باشد. علاوه بر این، «بایستی متذکر شد که مسائل اجتماعی جنبه فرافردی دارند» (ایترن و باکازین، ۱۹۹۲: ۲) و به اصطلاح بر ساخت وضعیت‌های اجتماعی‌اند. بر همین اساس عموماً ساختار اجتماعی به عنوان واحد اساسی تحلیل انتخاب می‌شود. در همین راستا و با تأکید بر مفهوم «بی‌سازمانی اجتماعی»، برخی جامعه‌شناسان همچون توماس و زنانیکی (۱۹۲۷)، پدیده نابسامانی خانواده را مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند که علت واقعی تمام پدیده‌های مربوط به بی‌سازمانی خانوادگی را باید در نفوذ نیروها و ارزش‌های جدید اجتماعی جستجو نمود. آنها که به بررسی تحولات خانواده در بستر تغییرات گسترده‌تر اجتماعی از جمله جابجایی‌های مکانی پرداخته‌اند، برآنند که احیای روحیه اصلی خانوادگی، پس از فروپاشی آن غیرممکن است. بحث آنها از این نقطه‌نظر که جامعه کنونی ایران نیز در معرض تغییرات ارزشی و ایده‌ای زیادی در حوزه خانواده و ازدواج است، می‌تواند در روشن شدن ابعاد مسئله ازدواج راهگشا باشد. باتوجه به آنچه گفته شد و با تمرکز بر شرایط کنونی جامعه ایران، می‌توان گفت در جامعه امروزی ایران ازدواج و ساز و کارهای مرتبط با آن، تبدیل به یک مسئله اجتماعی گردیده و شرایط مشکل‌زایی را برای بخش قابل توجهی از مردم یعنی جوانان، بعنوان بزرگترین و مهمترین گروه اجتماعی جمعیتی کنونی ایران، ایجاد کرده است. این وضعیت مشکل‌زای ازدواج موجب تضعیف بنیان خانواده، به خطر انداختن سلامت فرد و

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۸۷

جامعه و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی شده است. از اینرو، مطالعه و بررسی آسیب‌شناختی خانواده از جمله مسئله ازدواج، به عنوان یکی از ضرورت‌های علمی دانش‌های اجتماعی محسوب می‌گردد.

ضرورت این تحقیق برخاسته از تبعات ناشی از شرایطی است که در آن جوانان می‌کوشند صرفاً دنباله‌روی سبک‌های زندگی از پیش تعیین شده در نظام اجتماعی نباشند و تاحدی از رهگذر انتخاب‌های‌شان، موقعیت‌های خود را تعیین نمایند. همچنین افزایش نسبت افراد واجد شرایط برای ازدواج به جهت ساختار جوان جمعیتی ایران، مطالعه نگرش‌ها و ایده‌آل‌های جوانان پیرامون ازدواج و ابعاد مسئله‌زای آن را به امری ضروری بدل ساخته است. لذا شناخت مسئله ازدواج جوانان هم از بعد علمی و هم از بعد کاربردی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

بدین ترتیب با توجه به اهمیت موضوع، این مقاله سه هدف را دنبال می‌کند. نخست؛ شناخت ایده‌ها و نگرش‌های جوانان مجرد پیرامون زمان ازدواج جهت نشان دادن تغییرات ایده‌ای در این زمینه و بررسی تعیین‌کننده‌های آن، دوم؛ شناخت مسئله ازدواج و زمینه‌های ظهور آن، و سوم؛ بررسی و اعتبارسنجی ازدواج موقت^۱ بعنوان راهکار ارائه شده برای حل مسئله ازدواج از دید جوانان. در راستای این اهداف، مقاله کنون توجه خود را به بررسی نگرش‌ها و ایده‌آل‌های جوانان در امر ازدواج و مسئله‌شدن آن قرار داده و در صدد پاسخ به این سوالات است؛

۱- اصولاً جوانان چه نگرش‌ها و دیدگاه‌هایی پیرامون زمان ازدواج دارند؟

۲- تفاوت‌ها و شباهت‌های نگرشی آنها از چه عواملی ناشی می‌شوند؟

۳- چگونه ازدواج، حالت مسئله و مشکل پیدا می‌کند و تلقی جوانان از مسئله شدن ازدواج و زمینه‌ها و عوامل مؤثر در بروز آن چیست؟

۴- نهایتاً این که جوانان نسبت به مکانیزم‌های حل مسئله ازدواج در جامعه ایران، از جمله ازدواج موقت، چه دیدگاهی دارند؟

رهیافت نظری

در اینجا، ابتدا به تعریف ازدواج می‌پردازیم و سپس به منظور بررسی و تبیین تغییرات ازدواج و ابعاد مسئله‌آفرین آن، مدل‌ها و رویکردهای نظری مرتبط را در قالب پارادایم‌های تغییرات ساختاری و ایده‌ای-ارزشی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1 . Temporary Marriage(Concubine)

در تعریف ازدواج، کارلسون بر کنش متقابل بین دو فرد (مرد و زن) تحت شرایط قانونی، لوی اشتراوس بر برخورد دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کنش جنسی تأکید داشته‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳). جسی برنارد نیز ازدواج را مترادف با نظام فرهنگی از آراء و عقاید تربیتی، نهادی از نقش‌ها و هنجارها و تجربیات تعاملی پیچیده‌ای برای مردان و زنان تعریف می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۰۶).

در خصوص تبیین تغییرات و انتقال ازدواج، تئوری‌های با رویکرد ساختاری تحولات ازدواج و خانواده را به عنوان سازگاری سیستماتیک با تغییرات شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییر یافته در نظر می‌گیرند، رهیافت اصلی در رویکرد تغییرساختی، تئوری نوسازی می‌باشد. این تئوری با تأکید بر تغییرات ساختی (انتقال از اقتصاد کشاورزی سنتی به اقتصاد صنعتی)، تحولات ازدواج و مسائل و مشکلات ناشی از آن را به تغییرات ساختاری در جامعه به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می‌کند (عباسی‌شوزی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۷). ویلیام گود^۱ (۱۹۶۳) با مطرح نمودن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده به گستره تأثیرات فرایند نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند و معتقد است این فرایند در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، ازدواج و الگوهای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در همین زمینه وستوف^۲ (۱۹۷۸) نیز معتقد است که تحولات نهادهای ازدواج و خانواده، نشانه‌ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند؛ زیرا تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش اخلاق، عقلانیت و فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی، افزایش احتمال بقاء فرزندان و گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی می‌باشد (ویکس، ۲۰۰۲: ۴۱۶). مکدونالد^۳ (۲۰۰۶) نیز در قالب تئوری نوسازی بازاندیشانه^۴ معتقد است که اگرچه فرایند نوسازی، آزادی و استقلال بیشتری را برای افراد به ارمغان آورده، لیکن آنها را با عدم اطمینان بیشتری نسبت به آینده مواجه ساخته است، بنابراین تا موقعی که افراد شغل دائم و باثبات و توانایی بر عهده گرفتن خانواده را نداشته باشند، ازدواج نمی‌کنند و تشکیل خانواده نخواهند داد. مهدوی (۱۳۷۷) نیز معتقد است که مدرنیسم، اولاً امکان انتخاب و ثانیاً استقلال نسبی در قلمروهای اقتصادی اجتماعی را تشدید می‌کند و در نتیجه مسائل و مشکلاتی را در

1 .William Good

2 .Westoff

3 . McDonald, P.

4 . Reflexive Modernization

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۸۹

زمینه ازدواج بوجود می‌آورد. روث دیکسون^۱ (۱۹۷۱) نیز در بحث از الگوها و مسائل ازدواج بر اهمیت ساختار اجتماعی و تغییرات آن تأکید می‌کند و در این خصوص به سه متغیر کلیدی تأثیرگذار بر ازدواج یعنی دسترسی (قابلیت دسترسی به همسر آینده با توجه به توازن نسبت جنسی در سنین ازدواج و الگوهای انتخاب همسر)، امکان (امکان‌پذیری ازدواج با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی) و تمایل (مطلوبیت ازدواج با توجه به هنجارها و فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی) اشاره می‌کند.

علیرغم اهمیت رویکرد نوسازی در تبیین تحولات ازدواج و خانواده، مطالعات مختلف بویژه در جوامع آسیایی نشان می‌دهد که چارچوب نوسازی و تغییرات ساختاری مرتبط با آن برای درک و تبیین فرایند ازدواج کافی نیست (سیوندارم، ۲۰۰۵) و در این زمینه بایستی نقش عوامل ارزشی و فرهنگی را نیز در نظر گرفت. تئوری‌های با رویکرد ارزشی فرهنگی بر تغییرات فرهنگی و ارزشی جامعه و ماهیت نو و ابداعی بودن ایده‌ها و نگرش‌ها تأکید دارند. در چارچوب این تئوری و برای تبیین تحولات جمعیتی از جمله ازدواج و خانواده، کالدول^۲ (۱۹۸۲) بر گسترش ایده‌ها و ارزش‌های غربی در سایر جوامع، لسته‌هاک^۳ (۱۹۸۳) بر تغییر نظام معنایی و افزایش فردگرایی سکولار^۴ در کشورهای اروپای غربی، باربارا منچ^۵ و همکارانش (۲۰۰۵) بر تغییرات سریع در نظام‌های ارزشی جوامع آسیایی، کاسترلین^۶ (۲۰۰۱) بر نوآوری رفتاری، تغییر ایده‌ها و دینامیک اجتماعی اشاعه، تورنتون^۷ و همکارانش (۲۰۰۴ و ۲۰۰۱) بر آرمانگرایی توسعه^۸ تأکید داشته‌اند. بدین ترتیب در بررسی ازدواج، ابعاد و مسائل آن علاوه بر فرایند نوسازی و نشانگرهای آن، باید به نقش فرهنگ و تغییر نظام معنایی و ارزشی جامعه نیز توجه نمود.

روش

این مقاله به تحلیل ثانوی داده‌های طرح ملی " بررسی ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوار " که توسط مرکز آمار ایران با همکاری مرکز تحقیقات علمی فرانسه به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه ساخت یافته در سال ۱۳۸۰ گردآوری شده است، می‌پردازد. بخشی از مخاطبان این طرح، جوانان مجرد ۲۹-۱۵ ساله بوده‌اند. به

1. Ruth Dixon
2. Caldwell, J.
3. Lesthaeghe, R.
4. Secular Individualism
5. Barbara Mensch
6. Casterline, J.
7. Thornton, A.
8. Developmental Idealism

۹۰ پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۶

منظور پاسخ به پرسشهای آغازین این مقاله، داده‌های مربوط به ۶۱۰۰ جوان مجرد ۱۵-۲۹ ساله کل کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم، جدول شماره ۲ مشخصات نمونه مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲- ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد بررسی

درصد	مشخصه	درصد	مشخصه
۲۹/۹	وضع فعالیت	۶۰/۰	سن
۱۱/۲	شاغل	۲۹/۷	۱۵-۱۹ ساله
۴۰/۲	بیکار	۱۰/۳	۲۰-۲۴ ساله
۱۸/۸	خانهدار	۵۶/۵	۲۵-۲۹ ساله
	قومیت	۴۳/۵	جنسیت
۴۷/۹	فارس	۲/۴	پسر
۲۲/۹	ترک	۱۴/۲	دختر
۱۰/۰	لر	۴۶/۳	تحصیلات
۶/۴	کرد	۳۷/۰	بیسواد
۳/۱	عرب	۳۹/۳	ابتدایی
۳/۱	گیلک	۶۰/۷	راهنمایی یا متوسطه
۴/۰	مازندرانی		دیپلم یا بالاتر
۱/۹	بلوچ		محل سکونت
۰/۷	ترکمن		روستا
۶۱۰۰	تعداد نمونه		شهر

بر این اساس، ۵۶/۵ درصد نمونه مورد بررسی را پسران و ۴۳/۵ درصد را دختران تشکیل می‌داده و میانگین سنی نمونه ۱۹/۳ سال بوده است، محل سکونت ۶۱ درصد نمونه شهر و ۳۹ درصد روستا بوده است. به لحاظ تحصیلات ۲/۴ درصد بیسواد، ۱۴/۲ درصد تحصیلات ابتدایی، ۴۶/۳ درصد تحصیلات راهنمایی یا متوسطه و ۳۷ درصد تحصیلات دیپلم یا بالاتر داشته‌اند. همچنین به لحاظ وضع فعالیت ۴۰/۲ درصد محصل، ۲۹/۹ درصد شاغل، ۱۸/۸ درصد خانهدار و ۱۱/۲ درصد بیکار بوده‌اند. ترکیب قومی نمونه نیز بدین صورت بوده که ۴۸ درصد نمونه فارس، ۲۳ درصد ترک، ۱۰ درصد لر، ۶/۴ درصد کرد، ۴ درصد مازنی، ۳/۱ درصد گیلکی، ۳/۱ درصد عرب، ۱/۹ درصد بلوچ و ۰/۷ درصد ترکمن می‌باشند.

تجزیه و تحلیل نگرش‌های جوانان پیرامون ازدواج و ابعاد مسئله‌دار آن

الف) زمان ازدواج؛ ایده‌ها و نگرش‌ها

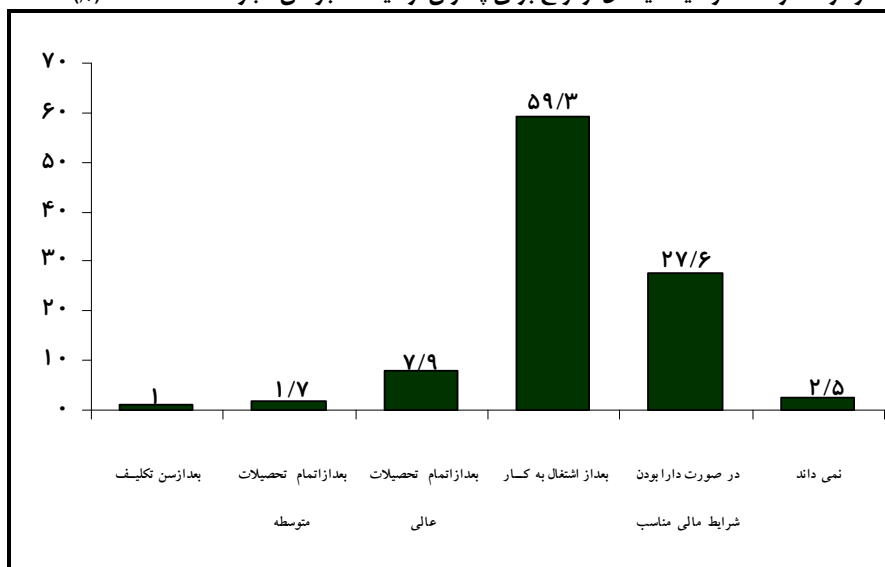
برای جوانان همواره این مشغله فکری وجود دارد که چه موقع ازدواج کنند و موقعیت ایده‌آل ازدواج برای آنها چه زمانی می‌باشد؟ این پرسشی است که پاسخ به آن در این بخش مقاله مورد بررسی قرار

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۹۱

گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد جوانان معتقدند که موقعیت مناسب برای ازدواج پسران، «بعد از اشتغال به کار» می‌باشد، سپس در مرتبه بعدی، ۲۷/۶ درصد «دارا بودن شرایط مالی مناسب» را بعنوان موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران بیان نموده‌اند. بدین ترتیب ۸۸ درصد جوانان مجرد ۱۵-۲۹ ساله معتقدند که موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران، دسترسی به منابع اقتصادی یعنی اشتغال به کار و داشتن شرایط مالی مناسب می‌باشد. عبارتی پیش‌شرط ازدواج جوانان پسر، آمادگی اقتصادی و مالی آنها می‌باشد.

همچنین درصد بسیار اندکی از جوانان بیان کرده‌اند که موقعیت ایده‌آل ازدواج پسران، «بعد از سن تکلیف» و حتی «بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و عالی» می‌باشد. از اینرو، اتمام تحصیلات عالی و گذراندن مقاطع تحصیلی دانشگاهی، با توجه به ضرورت خدمت سربازی و مشکل بازار کار در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نمی‌تواند موقعیت مناسبی برای ازدواج پسران باشد.

نمودار شماره ۱- موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران از دیدگاه جوانان مجرد ۱۵-۲۹ ساله (%)



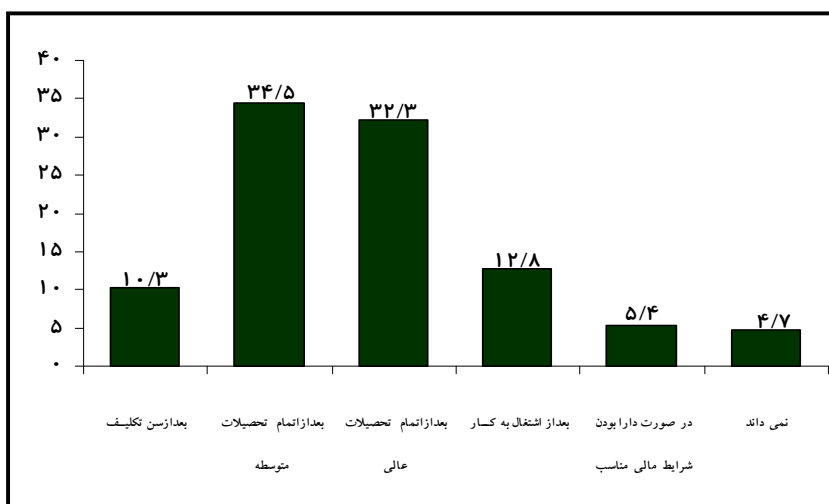
در خصوص موقعیت ایده‌آل ازدواج برای دختران، ۳۵ درصد جوانان، «بعد از اتمام تحصیلات متوسطه» را عنوان نموده‌اند و در مرتبه بعدی، ۳۲/۳ درصد معتقدند که موقعیت مناسب برای ازدواج دختران، «بعد از اتمام

تحصیلات عالی و دانشگاهی» می‌باشد. بدین ترتیب، درصد قابل توجهی، ادامه تحصیل دختران در مقاطع دانشگاهی را به ازدواج زودرس ترجیح می‌دهند. این نکته در واقع نشان دهنده وقوع تغییر ارزشی در جامعه ایران در خصوص ارجحیت آموزش و تحصیلات بر ازدواج برای دختران و ظهور نقش‌های جدید اجتماعی برای آنها می‌باشد. همچنین این وضعیت می‌تواند تا حدودی همسو با گرایش‌های عمومی جامعه در خصوص کسب مدرک و رفتن به دانشگاه باشد. در همین ارتباط عباسی‌شواری و دیگران (۱۳۸۴)، در بررسی تحولات باروری در ایران نشان دادند که گرایش به ترجیح تحصیلات عالی بر ازدواج برای دختران در بین والدین نیز وجود دارد، برای مثال حدود ۷۰ درصد از مادران، رفتن دختران به دانشگاه را به ازدواج بعد از دیپلم ترجیح داده‌اند.

همانطور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد دختران بیش از پسران، افراد با تحصیلات دیپلم و بالاتر بیشتر از افراد بی‌سواد و کم‌سواد، افراد محصل بیشتر از سایر زیرگروه‌های فعالیتی، جوانان شهری بیشتر از جوانان روستایی، جوانان فارس زبان بیشتر از سایر گروه‌های قومی زبانی، معتقدند که موقعیت ایده‌آل ازدواج برای دختران، بعد از اتمام تحصیلات عالی و دانشگاهی می‌باشد.

همچنین حدود ۱۸ درصد از جوانان، «اشتغال به کار و داشتن شرایط مالی مناسب» را پیش شرط ازدواج دختران عنوان نموده‌اند و ۱۰/۳ درصد نیز به ازدواج «بعد از سن تکلیف» به‌عنوان موقعیت مناسب برای ازدواج دختران اشاره کرده‌اند. مناسب بودن ازدواج بعد از سن تکلیف برای دختران عمدتاً مورد توجه جوانان بی‌سواد (۳۱/۸ درصد) و کم‌سواد (۲۸/۴ درصد)، روستایی (۱۸/۶ درصد) و گروه قومی بلوچ (حدود ۴۰ درصد) بوده است.

نمودار شماره ۲- موقعیت ایده‌آل ازدواج برای دختران از دیدگاه جوانان مجرد ۱۵-۲۹ ساله (%)



واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۹۳

بدین ترتیب، مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج پسران عمدتاً بعد از اشتغال به کار و در صورت دارا بودن شرایط مالی مناسب عنوان شده است. حال آنکه برای دختران مناسب‌ترین موقعیت بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و عالی بیان شده و کمتر در مورد آنها شرایط شغلی و مالی بعنوان پیش شرط ازدواج مطرح بوده است. زیرا در جامعه ما هنوز «مدل مرد نان آور و زن کدبانوی خانه» رایج و متداول می‌باشد.

بررسی زمان و موقعیت ایده‌آل ازدواج برحسب متغیرهای مورد بررسی بیانگر وجود تفاوت‌های معنی‌دار آماری در زیرگروه‌های مختلف اجتماعی می‌باشد، جدول شماره ۳، تفاوت‌های مذکور را به وضوح نشان می‌دهد. بر این اساس متغیرهای سن، جنسیت، سطح تحصیلات، محل سکونت، وضع فعالیت و تعلق قومی از تعیین‌کننده‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش افراد درخصوص موقعیت ایده‌آل ازدواج می‌باشند. در این میان شهرنشینی، آموزش و تحصیلات که از ره‌آورد‌های مهم نوسازی هستند، ایده‌های نو و جدیدی را در مورد مفهوم و پروسه ازدواج شکل می‌دهند و در نتیجه نقش قدرتمندی بر شکل‌گیری نگرش‌ها و دیدگاه‌های جوانان در ارتباط با موقعیت ایده‌آل ازدواج ایفاء می‌کنند. امروزه، الزامات زندگی شهری و مدرن موجب شده است تا دختران و پسران تمایل داشته باشند که بعد از ازدواج مستقل از والدین خود زندگی کنند، بنابراین برای تأمین مقدمات لازم زندگی مستقل باید شغلی داشته باشند، برای حضور در نظام تقسیم کار اجتماعی و دسترسی به منابع اقتصادی باید مدت زمان زیادی را صرف تحصیل و کسب مهارت نمایند.

علاوه بر نیروها و عوامل نوسازی، تعلق قومی و زبانی، که در برگیرنده شیوه زندگی، زبان، ایده‌ها، اعتقادات و ارزش‌های خرده فرهنگی است، نقش اساسی در تعیین و جهت‌گیری ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج جوانان ایفاء می‌کند.

جدول شماره ۳- موقعیت ایده‌آل ازدواج پسران و دختران و تعیین‌کننده‌های آن

موقعیت ایده‌آل ازدواج برای دختران (%)							موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران (%)							تعیین‌کننده‌ها	
نمی‌داند	در صورت دارا بودن شرایط مالی مناسب	بعد از اشتغال به کار	بعد از اتمام تحصیلات عالی	بعد از اتمام تحصیلات متوسطه	بعد از سن تکلیف	نمی‌داند	در صورت دارا بودن شرایط مالی مناسب	بعد از اشتغال به کار	بعد از اتمام تحصیلات عالی	بعد از اتمام تحصیلات متوسطه	بعد از سن تکلیف	متغیر وابسته			
۵/۲	۴/۴	۱۳/۵	۳۲/۹	۳۳/۹	۱۰/۰	۳/۱	۲۵/۰	۶۰/۸	۸/۱	۱/۹	۱/۱	سن	۱۹-۱۵ ساله		
۴/۳	۶/۶	۱۰/۹	۳۲/۱	۳۵/۳	۱۰/۹	۱/۶	۳۰/۸	۵۷/۱	۸/۴	۱/۵	۰/۷		۲۴-۲۰ ساله		
۳/۱	۸/۲	۱۴/۲	۲۸/۷	۳۵/۴	۱۰/۴	۱/۸	۳۳/۷	۵۶/۷	۵/۰	۱/۵	۱/۳		۲۹-۲۵ ساله		
Cramer's V=0.056 P<0.0005						Cramer's V=0.065 P<0.0005									
۶/۱	۵/۷	۹/۶	۲۷/۶	۴۰/۱	۱۱/۰	۲/۳	۳۰/۳	۵۷/۵	۷/۰	۲/۰	۰/۹	جنسیت پسر دختر			
۳/۱	۵/۲	۱۶/۹	۳۸/۱	۲۷/۳	۹/۴	۲/۸	۲۴/۲	۶۱/۶	۹/۱	۱/۳	۱/۱				
Cramer's V=0.189 P<0.0005						Cramer's V=0.080 P<0.0005									
۱۸/۲	۴/۵	۶/۱	۶/۱	۳۳/۳	۳۱/۸	۱۶/۷	۱۶/۷	۵۵/۳	۳/۰	۶/۸	۱/۵	تحصیلات بیسواد ابتدایی راهنمایی یا متوسطه دیپلم و بالاتر			
۵/۸	۴/۲	۹/۴	۱۰/۸	۴۱/۴	۲۸/۴	۳/۵	۲۱/۲	۶۲/۵	۵/۹	۳/۳	۳/۶				
۵/۲	۵/۱	۱۳/۱	۲۹/۸	۳۷/۰	۹/۸	۲/۵	۲۶/۱	۶۱/۷	۷/۱	۱/۷	۰/۹				
۳/۰	۶/۴	۱۳/۱	۴۴/۸	۲۸/۷	۲/۹	۱/۴	۳۳/۴	۵۵/۴	۹/۹	-۰/۹	-۰/۱				
Cramer's V=0.215 P<0.0005						Cramer's V=0.130 P<0.0005									
۴/۵	۶/۰	۱۰/۵	۲۰/۷	۴۳/۱	۱۵/۲	۲/۱	۳۹/۵	۶۰/۲	۴/۸	۲/۱	۱/۵	وضع فعالیت شاغل بیکار متصل خانه‌دار			
۵/۳	۷/۴	۱۲/۹	۲۷/۴	۳۵/۳	۱۱/۴	۲/۴	۳۱/۳	۵۸/۹	۵/۸	-۰/۷	۰/۹				
۴/۶	۴/۵	۱۵/۴	۴۳/۵	۲۷/۵	۴/۵	۲/۳	۲۶/۲	۵۸/۳	۱۱/۳	۱/۵	۰/۴				
۵/۱	۵/۵	۱۰/۶	۲۸/۵	۳۵/۷	۱۴/۶	۳/۸	۲۵/۴	۶۰/۳	۶/۵	۲/۲	۱/۸				
Cramer's V=0.155 P<0.0005						Cramer's V = 0.079 P<0.0005									
۵/۶	۴/۶	۱۰/۹	۲۱/۲	۳۹/۰	۱۸/۶	۲/۶	۳۳/۰	۶۳/۶	۶/۳	۲/۵	۱/۹	محل سکونت روستا شهر			
۴/۲	۶/۰	۱۴/۰	۳۹/۲	۳۱/۶	۵/۱	۲/۴	۳۰/۴	۵۶/۶	۸/۹	۱/۲	۰/۵				
Cramer's V=0.270 P<0.0005						Cramer's V=0.128 P<0.0005									
۴/۲	۵/۷	۱۲/۴	۳۸/۶	۳۱/۳	۷/۸	۲/۶	۳۰/۰	۵۵/۴	۹/۶	۱/۴	۱/۰	قومیت فارس ترک لر کرد عرب گیلک مازندرانی بلوچ ترکمن			
۴/۵	۶/۳	۱۳/۸	۲۷/۶	۳۲/۷	۹/۹	۲/۰	۲۹/۷	۵۶/۸	۸/۱	۲/۸	-۰/۶				
۶/۸	۴/۲	۱۷/۴	۲۴/۸	۳۱/۶	۱۵/۱	۴/۲	۱۸/۲	۶۷/۹	۷/۷	-۰/۷	۱/۳				
۵/۶	۳/۴	۱۲/۲	۲۵/۱	۳۳/۱	۱۹/۶	۱/۶	۲۴/۹	۶۵/۳	۴/۰	۱/۱	۲/۲				
۲/۰	۲/۵	۲/۵	۲۵/۹	۵۱/۸	۱۵/۲	-۰/۵	۳۳/۰	۶۰/۴	۴/۶	۱/۵	۱/۰				
۹/۸	۱۰/۹	۱۷/۵	۳۰/۶	۲۸/۴	۲/۷	۲/۲	۳۹/۹	۵۵/۲	۲/۷	۰	۰				
۳/۳	۲/۸	۸/۵	۳۰/۵	۴۹/۲	۵/۷	-۰/۴	۱۱/۸	۸۴/۶	۲/۰	-۰/۴	-۰/۸				
۹/۰	۱/۸	۶/۳	۹/۹	۳۳/۳	۳۹/۶	۱۰/۸	۱۱/۷	۶۲/۲	۴/۵	۹/۹	۰/۹				
۰	۴/۸	۰	۳۳/۳	۶۱/۹	۰	۰	۴/۸	۹۲/۹	۰	۲/۴	۰				
Cramer's V=0.118 P<0.0005						Cramer's V=0.101 P<0.0005									

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۹۵

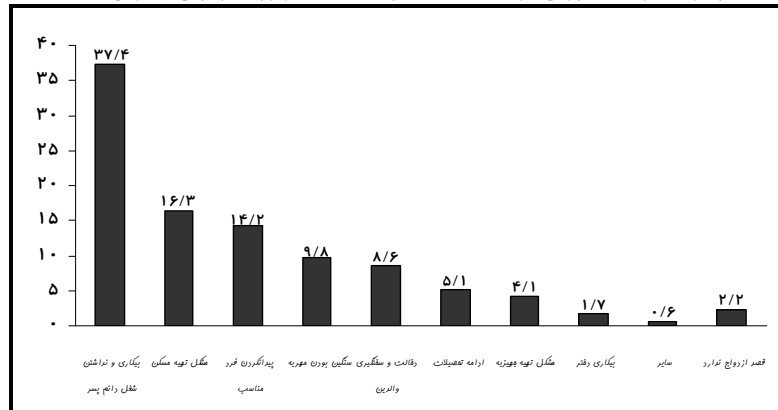
بدین ترتیب، به دنبال تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مانند جریان نوسازی، صنعتی شدن، شهرنشینی، تغییر ساختار خانواده، افزایش سطح تحصیلات، ظهور نقش‌های اجتماعی جدید، تغییرات ارزشی و ایده‌ای و اشاعه آنها از طریق وسایل ارتباط جمعی، نوعی تغییر در ادراکات و رفتارهای ازدواجی جوانان صورت گرفته است. بر این اساس، الگوی ازدواج زود هنگام تغییر یافته و نوعی گرایش و تمایل در جهت به تأخیر انداختن ازدواج بوجود آمده است. با اینحال، برخی عوامل فرهنگی و سنتی مانند قومیت هنوز در مقابل تغییر الگوهای ازدواج و پذیرش ایده‌های جدید مقاومت می‌کنند. برای مثال، هنوز حدود ۴۰ درصد بلوچ‌ها، ۲۰ درصد کردها و ۱۵ درصد عرب‌ها و لرها به ازدواج دختران بعد از سن تکلیف اعتقاد دارند. بدین ترتیب، یافته‌ها بیانگر ارتباط متقابل عوامل نوسازی، ایده‌ای، فرهنگی و سنتی در تعیین زمان ازدواج می‌باشد.

ب) واکاوی مسئله ازدواج

امروزه، ازدواج و همسرگزینی بیشتر به عنوان یک مسئله اجتماعی مورد توجه جامعه‌شناسان قرار می‌گیرد. بر همین اساس مطالعه ازدواج، مسائل و مشکلات مربوط به آن جهت دستیابی به قانونمندی‌های خاص اجتماعی و به منظور تسهیل روابط اجتماعی، استواری بنیان خانواده و اتخاذ راه‌حل‌های مناسب ضروری و اساسی می‌باشد.

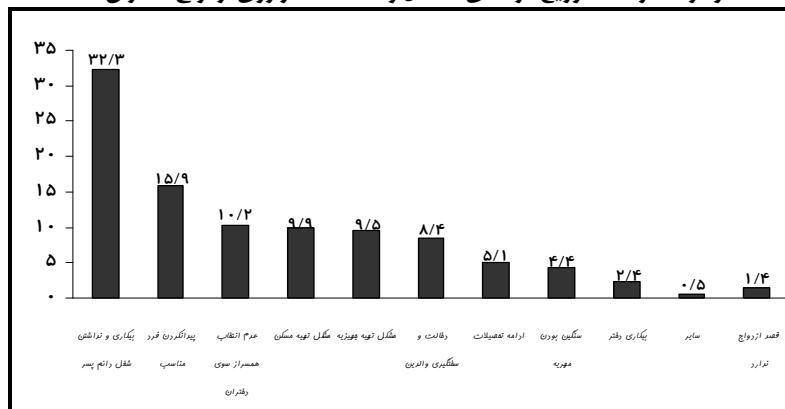
به همین جهت، در این بخش از مقاله به دنبال بررسی و شناخت علل و عوامل زمینه‌ساز مسئله ازدواج جوانان در ایران می‌باشیم. یافته‌های بررسی نشان داد که بیکاری و نداشتن شغل دائم (۳۷/۴ درصد)، مشکل تهیه مسکن (۱۶/۳ درصد)، پیدا نکردن فرد مناسب (۱۴/۲ درصد)، سنگین بودن مهریه (۹/۸ درصد)، دخالت و سختگیری والدین (۸/۶ درصد)، ادامه تحصیل (۵/۱ درصد) و... به ترتیب، بعنوان مهم‌ترین مسائل و مشکلات موجود در مسیر ازدواج پسران عنوان شده است.

نمودار شماره ۳- توزیع درصدی مسایل و مشکلات فراروی ازدواج پسران



بررسی مسایل و مشکلات ازدواج پسران برحسب متغیرهای مورد بررسی تفاوت آماری معنی‌دار را نشان نداد و در واقع نوعی همانندی و یکسانی در میان زیرگروه‌های اجتماعی در ارتباط با موانع و مشکلات ازدواج وجود داشت. اما قابل ذکر است که بیکاری و نداشتن شغل دائم پسر در میان جوانان روستایی و کم‌سواد، در مقابل ادامه تحصیل، پیدا نکردن فرد مناسب برای ازدواج و دخالت و سختگیری والدین در میان جوانان شهری و تحصیلکرده بعنوان مسائل ازدواج نمود بیشتری پیدا می‌کند. برحسب تعلق قومی نیز مشاهده شد که سنگین بودن مهریه در میان بلوچ‌ها و دخالت و سختگیری والدین در میان کردها و عرب‌ها بیشتر از سایر اقوام بعنوان چالش فراروی ازدواج پسران مطرح شده است.

نمودار شماره ۴- توزیع درصدی مسائل و مشکلات فراروی ازدواج دختران



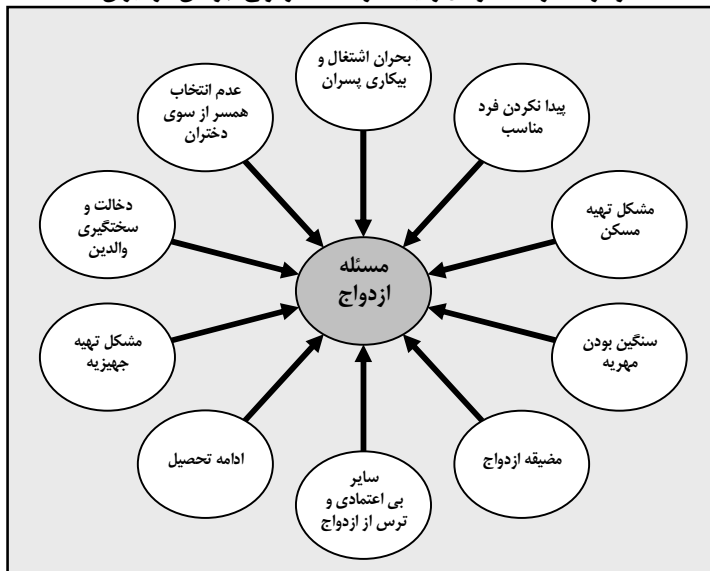
واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۹۷

همانطور که نمودار شماره ۴ نشان می‌دهد دختران مورد بررسی نیز در بیان موانع و مسائل ازدواج خود، به ترتیب به بیکاری و نداشتن شغل دائم پسران (۳۲/۳ درصد)، پیدا نکردن فرد مناسب (۱۵/۹ درصد)، عدم انتخاب همسر از سوی دختران بعنوان نمادی از نابرابری جنسیتی در فرایند ازدواج (۱۰/۲ درصد)، مشکل تهیه مسکن (۹/۹ درصد)، مشکل تهیه جهیزیه (۹/۵ درصد)، دخالت و سختگیری والدین (۸/۴ درصد)، ادامه تحصیل (۵/۱ درصد) و... اشاره کرده‌اند و معتقدند که این عوامل موجب شده که آنها در مسیر ازدواج خود با مسئله و مشکل مواجه شوند.

بررسی مسایل و مشکلات ازدواج دختران در میان زیرگروه‌های اجتماعی تفاوت معنی‌دار آماری را نشان نداد، اما قابل ذکر است که بیکاری و نداشتن شغل دائم پسر در میان جوانان روستایی بیشتر از شهری و در میان جوانان عرب و ترکمن بیشتر از سایر گروه‌های قومی؛ پیدا نکردن فرد مناسب برای ازدواج در میان جوانان ۲۵-۲۹ ساله بیشتر از سایر گروه‌های سنی، در بین افراد تحصیلکرده بیشتر از افراد بیسواد، در میان جوانان شهری بیشتر از روستایی، در جوانان ترکمن و کرد بیشتر از سایر گروه‌های قومی بعنوان مسئله ازدواج دختران عنوان شده است. مشکل تهیه جهیزیه نیز در میان افراد بی‌سواد و کم‌سواد بیشتر از افراد تحصیل کرده، جوانان بلوچ و گیلک بیشتر از سایر گروه‌های قومی مورد اشاره قرار گرفته است. علاوه بر این دخالت و سختگیری والدین در میان دختران بلوچ، عرب و کرد بیشتر از سایر گروه‌های قومی؛ ادامه تحصیل در میان دختران تحصیل کرده، شهری و فارس زبان؛ سنگین بودن مهریه در میان بلوچ‌ها بیشتر از سایر گروه‌ها، بعنوان معضل و چالش‌های اصلی فراروی ازدواج دختران مشاهده می‌شود.

همچنین قابل ذکر است که در تمام زیرگروه‌های اجتماعی جمعیتی به مسأله نابرابری جنسیتی در فرایند ازدواج یعنی عدم انتخاب همسر از سوی دختران تقریباً بطور یکسان اشاره شده و بنظر می‌رسد که در این زمینه همانندی در دیدگاه‌های افراد بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی آنها وجود دارد.

نمودار شماره ۵- عوامل زمینه‌ساز مسئله ازدواج جوانان در ایران



بدین ترتیب، مهمترین موانع و مسائل موجود در مسیر ازدواج دائم جوانان مواردی است که در نمودار شماره ۵ نشان داده شده است و در اینجا نیز به‌طور خلاصه به نحوه تأثیرگذاری و زمینه‌سازی آنها در مسئله ازدواج، به ترتیب اهمیت و اولویت، می‌پردازیم؛

• بحران اشتغال و بیکاری: جوانان پسر و دختر مورد مطالعه، اتفاق نظر و اجماع در معرفی بیکاری و نداشتن شغل دائم پسران به عنوان مهمترین معضل و چالش فراروی ازدواج داشته‌اند. با توجه به اینکه مسئولیت اصلی تأمین مخارج زندگی مشترک برعهده مردان است، اشتغال بعنوان پیش شرط ازدواج پسران از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. شرایط سخت زندگی در سال‌های اخیر و مشکلات دستیابی جوانان به فرصت‌های شغلی، زمینه‌ساز مسئله ازدواج جوانان شده است. جوانانی که به واسطه بیکاری - ۷۸ درصد بیکاران کشور را جوانان ۲۹-۱۵ ساله تشکیل می‌دهد- از ابزار استقلال مالی محروم گشته‌اند، مجبورند تا به وابستگی خود به کمک‌های مالی خانواده ادامه دهند. این مسئله موجب می‌شود که جوانان برنامه‌ها و هدف‌های خود (از قبیل ازدواج و تشکیل خانواده) را تا آینده نامعلوم به تأخیر بی‌اندازند. این مسئله هنگامی باعث سرخوردگی و ناامیدی بیشتر می‌گردد که فشار سنگین سنت‌ها و یا شرایط زندگی نوین - یا هر دو- آمادگی اقتصادی و استقلال مالی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در فرایند ازدواج می‌سازد. زیرا براساس یافته‌های

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۹۹

این پژوهش، داشتن شغل یا درآمد مهمترین موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران می‌باشد. البته، در این زمینه لازم به ذکر است که درصد بسیار اندکی از دختران و پسران، بیکاری دختر را به‌عنوان معضل ازدواج معرفی نموده‌اند که دال بر غالب بودن مدل مرد نان‌آور خانواده در ایران می‌باشد.

*عدم انتخاب همسر از سوی دختران: درصد قابل توجهی از دختران، نابرابری جنسیتی در فرایند ازدواج یعنی نداشتن حق انتخاب همسر از سوی دختران و به‌عبارتی انتخاب شدن نه انتخاب کردن در امر ازدواج را به‌عنوان یکی از موانع اصلی فراروی ازدواج دختران عنوان نموده‌اند. در شرایط فعلی جامعه ما انتخاب همسر از سوی دختران یک ضد ارزش تلقی می‌شود، به‌طوری که بر اساس نتایج طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲) تنها ۲۴ درصد پاسخگویان با خواستگاری دختر از پسر موافق بوده‌اند. هرچند خواستگاری دختر از پسر از نظر اسلام بلامانع است و مصداق بارز آن پیشنهاد ازدواج و خواستگاری حضرت خدیجه از پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. در این زمینه با توجه به مضیقه ازدواج دختران، فرهنگ‌سازی در خصوص داشتن حق انتخاب همسر از سوی دختران ضروری به‌نظر می‌رسد.

*پیدا نکردن فرد مناسب: عده‌ای نیز با توجه به ملاک‌ها و معیارهای خود برای انتخاب همسر، هنوز فرد مناسب و ایده‌آل را برای ازدواج پیدا نکرده‌اند. این امر خود می‌تواند ناشی از بالا رفتن سطح توقعات و انتظارات از یکسو، و از سوی دیگر ناشی از نامناسب بودن فضای ارتباطات اجتماعی و برهم خوردن نظم ارتباطی سنتی باشد که فضاهای اجتماعی را از ایفاء کارکردهای خود عاری ساخته است.

*مشکل تهیه مسکن: در گذشته به‌دلیل وجود خانواده پدرسالاری و گستره آن، زوج‌های جوان بلافاصله بعد از ازدواج در منزل پدر داماد ساکن می‌شدند (پدرمکانی) و در نتیجه با مشکلات هزینه مسکن مستقل مواجه نبودند. اما امروزه تغییر نظام خانواده به سمت هسته‌ای شدن، شرایط جدید اقتصادی-اجتماعی و تفاوت و گاه تضاد سلیقه‌ها و عقاید ایجاب می‌کند که نسل جدید بعد از ازدواج زندگی مستقل و جداگانه‌ای ترتیب دهند. برای مثال، نتایج طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که تنها ۲۶ درصد پاسخگویان موافق زندگی فرزندان در کنار پدر و مادر بعد از ازدواج بوده‌اند و این دال بر گرایش شدید به نومکانی و زندگی مستقل بعد از ازدواج می‌باشد. این تغییر نگرش از یکسو و شرایط وخیم اقتصادی از سوی دیگر، جوانان را در مسیر ازدواج با معضلی تحت عنوان مشکل تهیه مسکن مواجه کرده است.

*دخالت و سختگیری والدین: در بحث ازدواج با توجه به وجود شکاف نسلی در جامعه و تفاوت دیدگاه‌ها و نگرش‌های جوانان و والدین، عده‌ای به دخالت والدین به‌عنوان معضل ازدواج اشاره نموده‌اند. دخالت

والدین هرچند تا حدودی لازمه ازدواج و اضافه شدن بعد عقلی به بعد احساسی ازدواج می‌باشد، اما وجود ملاک‌های سختگیرانه والدین در امر ازدواج و دخالت و سختگیری زیاد آنها به‌ویژه در ارتباط با همسرگزینی، مراسم و سنت‌ها بر حدت و شدت مسائل و مشکلات ازدواج جوانان افزوده است.

*مشکل تهیه جهیزیه: سنگینی جهیزیه و هزینه‌های سنگین ازدواج اشکال دیگری است که دایره همسرگزینی را تنگ‌تر نموده است. با توجه به اینکه جهیزیه متضمن پرداخت‌ها توسط خانواده عروس می‌باشد، تهیه جهیزیه بیشتر از طرف دختران بعنوان یک مسئله در امر ازدواج مطرح شده است.

*سنگین بودن مهریه: مهریه و مقدار زیاد آن یکی دیگر از معضلات و مشکلات جوانان در امر ازدواج می‌باشد. در شرایط فعلی جامعه عدم استقلال اقتصادی و اجتماعی زنان از یکسو و افزایش آمارهای طلاق از سوی دیگر، دختران و والدین آنها را به شدت از آینده بیمناک نموده و به همین جهت مهریه سنگین را تضمینی در برابر این شرایط می‌دانند. به‌طور کلی نسیه بودن مهریه (به زبان عامه کی داده و کی گرفته)، چشم و هم چشمی و عادت اجتماعی تفاخرآمیز، گسترش مادی‌گرایی، افزایش طلاق در جامعه و بیمه بودن در برابر این معضل در افزایش مهریه تأثیر زیادی داشته و آن هم به نوبه خود زمینه ساز مسئله ازدواج جوانان در ایران شده است.

*ادامه تحصیل: در حال تحصیل بودن، ازدواج را برای هر دو جنس به تأخیر می‌اندازد، زیرا در بیشتر جوامع استدلال براین است که دختران و پسران در حال تحصیل هنوز آمادگی لازم برای ازدواج را ندارند. توسعه و گسترش نظام آموزشی به‌ویژه در بعد از انقلاب موجب شده است که اکثر پسران و دختران جوان به تحصیل مشغول بوده و قصد ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را داشته باشند و به همین دلیل ازدواج را به تأخیر بیندازند. از این‌رو، گسترش آموزش متوسطه و عالی، طولانی شدن دوره تحصیل، ضرورت کسب تخصص و تأمین معاش و ایجاد ایده‌ها و توقعات جدید مانند میل به داشتن همسری دارای مدرک تحصیلی عالی یا شغل معتبر از مسایل دیگری است که دایره همسرگزینی را تنگ‌تر نموده و در مسیر ازدواج مسائل و مشکلاتی ایجاد کرده است. از طرف دیگر، آموزش و تحصیلات موجب بوجود آمدن ایده‌ها و نگرش‌های جدید می‌شود که بیشتر موافق به تأخیر انداختن ازدواج می‌باشد.

*مضيقه ازدواج^۱: یکی دیگر از مسائل و چالش‌های ازدواج در جامعه ما، دشواری دسترسی به زوج مناسب در اثر پدیده‌ای به نام عدم تعادل و توازن نسبت‌های جنسی به هنگام ازدواج یا به عبارتی عدم تناسب جنسی در عرصه فرصت ازدواج می‌باشد. از آنجایی که ازدواج‌ها با یک فاصله سنی بین زن و مرد (معمولاً ۵

1. Marriage Squeeze

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۱۰۱

سال و اغلب به نفع مرد) صورت می‌گیرد، در جوامعی که ساختار جمعیتی جوان دارند و هرم سنی آنها مثلثی شکل می‌باشد، ازدواج افراد از دو گروه متفاوت که تعداد جمعیت‌شان یکسان نیست، سبب می‌شود عده‌ای مجرد باقی بمانند و فرصت دستیابی به زوج مناسب را از دست بدهند. در حال حاضر، در ایران دختران متولد شده دهه انفجار موالید یعنی ۶۵-۱۳۵۵ به سن ازدواج رسیده‌اند. این دختران، علیرغم کم شدن فاصله سنی زوجین به هنگام ازدواج، فشار و مضیقه ازدواج را با توجه به تحولات جمعیتی ایران، مرگ و میر بیشتر مردان (به دلیل جنگ، تصادفات و...) و شرایط بحران بیکاری، در حادثه‌ترین شکل تجربه می‌کنند. همچنین حالت بحرانی این قضیه در نقاط روستایی ایران اتفاق افتاده است، زیرا علاوه بر عوامل مذکور، مهاجرت جوانان پسر روستایی به شهر و ازدواج آنها در شهر برحادث شدن مضیقه ازدواج در نقاط روستایی افزوده است و همچنین تأثیرات روانی و اجتماعی عدم ازدواج در مناطق روستایی به‌علت بافت سنتی و روابط چهره به‌چهره بیشتر از نقاط شهری می‌باشد. البته وضعیت فزونی دختران در ازدواج احتمالاً تا سال ۱۳۹۰ ادامه خواهد داشت و از آن به بعد برای چند سالی مضیقه ازدواج دامنگیر پسران خواهد شد.

*سایر: برخی از جوانان به دلیل افزایش طلاق، گسترش اعتیاد و فاسد اجتماعی، بی‌قید شدن افراد، رواج بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه و... دچار ترس و واهمه شده و از ازدواج خودداری می‌کنند.

در اینجا لازم است که به سه نکته اشاره شود، اول اینکه در بین عوامل مذکور، تأثیر عامل بحران اشتغال و بیکاری پسران برجسته‌تر از سایر عوامل بوده است. دوم اینکه، با توجه به تغییراتی که در طول زمان اتفاق می‌افتد، تعدادی از عوامل ممکن قدرت خود را در تبیین و پیش‌بینی مسئله از دست دهند و عوامل دیگری اهمیت پیدا کنند. و نکته سوم اینکه به دلیل پیچیدگی و ابعاد گوناگون مسئله ازدواج، همیشه مقداری از واریانس آن تبیین نمی‌گردد و به عوامل ناشناخته نسبت داده می‌شود. از اینرو، در مورد مسئله‌گون شدن ازدواج علاوه بر عوامل مذکور، عوامل و عناصر دیگری نیز مانند کاهش مطبوعیت ازدواج، وجود سنت‌هایی مانند رعایت رتبه موالید در ازدواج (ازدواج خواهر و برادر مجرد بزرگتر) و... بر حادث شدن مسئله ازدواج تأثیرگذار می‌باشند.

ج) ازدواج موقت: اعتبارسنجی یک راه‌حل

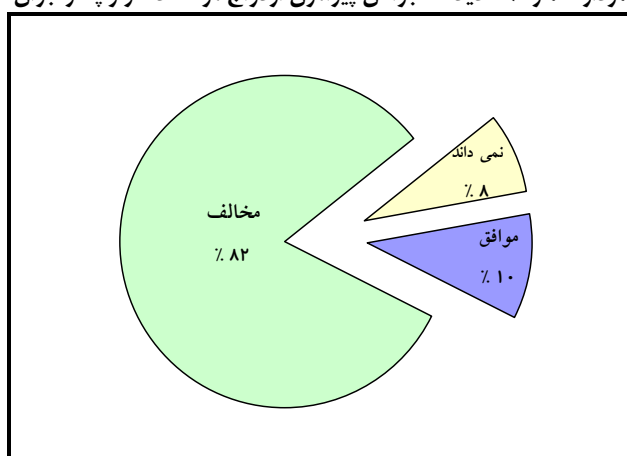
با توجه به مسئله شدن ازدواج، وجود فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی اجتماعی جوانان و به خطر افتادن بهداشت و سلامت جنسی آنها، ازدواج موقت به عنوان حل مسئله و راهکار در جامعه ایران مطرح شده است. همچنین جلوگیری از گناه و فساد، ارضای غرایز جنسی، مقدمه‌ای برای ازدواج دائم،

۱۰۲ پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۶

آرامش روحی و فکری و فراهم نبودن امکانات لازم برای ازدواج دائم از عمده‌ترین دلایل مطرح شدن این راهکار بوده است. با این استدلال‌ها دولت و سیاست‌گذاران نظام در سال‌های اخیر با دادن مجوز برای ایجاد دفاتر ثبت ازدواج موقت، تبلیغات رسانه‌ای و راه اندازی سایت‌های مختلف اینترنتی به گسترش و تشویق ازدواج موقت بعنوان حل مسئله ازدواج جوانان پرداخته‌اند.

به همین جهت در این بخش از مقاله، با توجه به دیدگاه ارزشی یا ضد ارزشی جوانان نسبت به ازدواج موقت، به اعتبارسنجی و بررسی کارآمدی این راهکار پرداختیم. نتایج نشان داد که تنها ۱۰ درصد جوانان با ازدواج موقت بین دختر و پسر جوان موافق بوده و ۸۲ درصد آنان مخالف این راهکار بوده‌اند. بنابراین، مطرح شدن ازدواج موقت بعنوان راه‌حل مسئله با مخالفت ارزشی جوانان مواجه بوده و از دیدگاه آنها به عنوان یک عمل ضد ارزش و ناکارآمد تلقی شده است. بر همین اساس می‌توان گفت که تعارض شدیدی بین نیاز به ازدواج موقت و ارزشهای اجتماعی جامعه وجود دارد که باعث شده عملاً این نوع ازدواج صورت نگیرد و با مخالفت ارزشی جوانان در جامعه همراه باشد.

نمودار شماره ۶- دیدگاه جوانان پیرامون ازدواج موقت دختر و پسر جوان



بررسی نگرشی ازدواج موقت در میان زیرگروه‌های اجتماعی در جدول شماره ۴، نشان داد که تفاوت‌های معنی‌دار آماری در زمینه موافقت یا مخالفت با ازدواج موقت وجود دارد. ازدواج موقت نزد دختران، به علت از دست دادن بکارت و شانس دائم ازدواج، با مخالفت بیشتری در مقایسه با پسران همراه بوده است. علاوه بر جنسیت، ساختار قومی و فرهنگی جامعه نقش مهمی در شکل‌گیری الگوی نگرشی جوانان نسبت به ازدواج موقت داشته

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۱۰۳

است. میزان پذیرش ازدواج موقت توسط گروه‌های قومی، به سبب برخورداری آنها از پیشینه‌های متفاوت تاریخی و مذهبی و نیز وجود آداب و رسوم ریشه‌دار و ارزش‌های خاص خرده‌فرهنگی، از تفاوت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. برای مثال، میزان پذیرش ازدواج موقت نزد فارس‌ها بیشتر از سایر گروه‌های قومی می‌باشد، حال آنکه پذیرش این راه‌حل در میان اقوام اهل سنت مانند بلوچ‌ها و ترکمن‌ها تقریباً صفر و ناچیز بوده است. زیرا اهل سنت بخاطر نهی ازدواج موقت از سوی خلیفه دوم و تحریم آن، این نوع ازدواج را بر خود حرام می‌دانند.

جدول شماره ۴- توزیع درصدی دیدگاه جوانان مجرد ۲۹-۱۵ ساله پیرامون ازدواج موقت

نگرش نسبت به ازدواج موقت دختر و پسر جوان			متغیر وابسته	
بی نظر	مخالف	موافق	تعیین کننده‌ها	
۹/۴	۸۱/۴	۹/۲	سن	۱۵-۱۹ ساله ۲۰-۲۴ ساله ۲۵-۲۹ ساله
۵/۴	۸۲/۴	۱۲/۲		
۵/۲	۸۳/۶	۱۱/۲		
Phi=0.058 P<0.0005				
۸/۵	۷۷/۸	۱۳/۸	جنسیت	پسر دختر
۷/۰	۸۷/۱	۵/۹		
Cramer's V=0.135 P<0.0005				
۲۸/۲	۶۷/۲	۴/۶	تحصیلات	بیسواد ابتدایی راهنمایی یا متوسطه دیپلم و بالاتر
۱۰/۷	۷۸/۴	۱۰/۹		
۸/۹	۸۱/۷	۹/۴		
۴/۲	۸۴/۲	۱۱/۵		
Cramer's V=0.106 P<0.0005				
۶/۸	۷۹/۸	۱۳/۴	وضع فعالیت	شاغل بیکار محصل خانه‌دار
۵/۳	۸۲/۲	۱۲/۵		
۸/۸	۸۲/۰	۹/۳		
۸/۸	۸۴/۸	۶/۴		
Cramer's V=0.066 P<0.0005				
۹/۵	۸۱/۴	۹/۰	محل سکونت	روستا شهر
۶/۷	۸۲/۲	۱۱/۱		
Cramer's V=0.058 P<0.0005				
۶/۸	۸۰/۶	۱۲/۶	قومیت	فارس ترک لر کرد عرب گیلک مازندرانی بلوچ ترکمن
۹/۴	۸۱/۰	۹/۷		
۸/۸	۸۱/۹	۹/۳		
۴/۱	۸۸/۵	۷/۴		
۱۱/۷	۷۸/۷	۹/۶		
۲/۷	۹۳/۴	۳/۸		
۵/۷	۹۰/۷	۳/۷		
۲۹/۷	۶۸/۵	۱/۸		
۲/۴	۹۷/۶	۰/۰		
Cramer's V=0.114 P<0.0005				

بدین ترتیب ازدواج موقت به عنوان یک راه‌حل به دلایلی چون منطبق نبودن آن با فرهنگ و ارزش‌های جامعه، سست شدن بنیان خانواده، گسترش فحشاء و آسیب‌های اجتماعی، افزایش طلاق، فرار دختران و زنان از خانه، رواج هوسرانی و بی‌بندوباری جنسی، افزایش شمار کودکان بی‌هویت و بدون شناسنامه، امکان سوء استفاده مردان از ازدواج موقت و مردسالارانه بودن آن، توهین به مقام و ارزش زن و تبدیل شدن زن به کالایی با تاریخی مصرف مشخص، نادیده گرفتن عواطف انسانی و طرد شدن افرادی که ازدواج موقت کرده‌اند؛ با مخالفت شدید ارزشی جوانان همراه بوده است و از این رو نمی‌توان بر آن به عنوان راهکار حل مسئله ازدواج در ایران تأکید کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تغییرات ساختاری، نهادی و ارزشی سریع در دوران معاصر، خانواده را می‌توان «کوره تغییر» قلمداد نمود. در بستر این تحولات، ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و شیوه‌های مرتبط با ازدواج و همسرگزینی، انتظارات زن و شوهر از همدیگر و مناسبات بین آنها بطور محسوسی تغییر یافته است و نهاد خانواده با تغییری شکل از گسترده به هسته‌ای، تغییر ساختار قدرت از عمودی (مردسالاری) به افقی (مشارکتی زن و شوهر)، بهبود موقعیت زنان، برابری جنسیتی در عرصه عمومی و خصوصی، پیدایش نقش‌های جدید اجتماعی برای زنان، کاهش بعدخانوار و باروری، تغییر شیوه‌ها و الگوهای تربیتی فرزندان (از حالت تنبیهی به اقناعی و تشویقی)، گسترش ابعاد آسیب‌شناختی خانواده نظیر افزایش میزان طلاق، خشونت‌خانگی، دختران فراری و... مواجه شده است (صادقی، ۱۳۸۵: ۲). علاوه بر اینها، نهاد ازدواج مرحله گذار و انتقالی خود را طی می‌کند و مشخصات قبلی آن دستخوش دگرگونی شده و تمایلی به مشابهت با خصوصیات ازدواج در جوامع صنعتی پیدا کرده است. افزایش سن ازدواج، وجود مضیقه و حتی بحران ازدواج و تبدیل به مسئله شدن ازدواج در جامعه نمونه بارزی از این تحولات می‌باشد.

در چارچوب نظری مبتنی بر نوسازی بین عوامل سنتی و مدرن تمایز قایل می‌شوند و انتقال از عوامل دسته اول به عوامل دسته دوم مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس عوامل سنتی عبارتند از شبکه خویشاوندی، خانواده محوری، خانواده گسترده، ازدواج‌های ترتیب‌یافته، تولیدخانگی و غیره و عوامل مدرن عبارتند از تضعیف شبکه خویشاوندی و گسترش فردمحوری، ازدواج مبتنی بر انتخاب افراد، واگذاری کارکردهای خانواده به نهادها و سازمان‌های دیگر، گسترش فرصت‌های تحصیلی و شغلی، تغییر شیوه تولید،

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۱۰۵

شهرنشینی، بهبود موقعیت زنان، تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت، ظهور ایده‌ها و ارزش‌های جدید مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده و غیره می‌باشند. بر این اساس، یکی از مهمترین تغییرات اجتماعی و فرهنگی که مرتبط با فرایند نوسازی در ایران رخ داده، تحولات مربوط به خانواده و ازدواج می‌باشد. نهاد خانواده و ازدواج در انطباق با شرایط اجتماعی تغییر یافته و به نوعی به بازتولید ارزش‌های جدید خانوادگی پرداخته است. خانواده ایرانی، در گذشته بصورت خانواده گسترده و تحت سیطره نظام پدرسالاری و شبکه خویشاوندی بوده است. در این خانواده، ازدواج در سنین پایین و بدون مشکل صورت می‌گرفت و عمدتاً در حوزه فامیلی و خویشاوندی و به صورت تنظیم شده از سوی والدین و ریش سفیدان فامیل بوده است. از سوی دیگر ازدواج در این ساختار نه تنها دو فرد بلکه دو طایفه و گروه خانوادگی را به یکدیگر مرتبط می‌کرد. اما امروزه فرایند نوسازی و شرایط در حال گذار جامعه ایران، نهادهای خانواده و ازدواج را در یک مسیر انتقالی قرار داده است. یکی از نشانه‌های بارز این انتقال، تغییر ایده‌ها و نگرش‌ها نسبت به زمان ازدواج می‌باشد. بطوریکه براساس یافته‌های این مطالعه، حدود ۹۰ درصد جوانان معتقدند تا زمانی که پسران شغل دائم نداشته و امکانات مالی مناسبی ندارند، نباید ازدواج کنند که این خود دال بر تغییر زمانبندی ازدواج با توجه به شرایط جامعه می‌باشد. همچنین حدود نیمی از جوانان پاسخگو مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج دختران را بعد از اتمام تحصیلات عالی و کسب استقلال اقتصادی بیان نموده‌اند که در واقع بیانگر استحاله و تغییر ارزشی در جامعه در زمینه ترجیح آموزش و اشتغال بر ازدواج برای دختران و ظهور نقش‌های اجتماعی جدید برای آنها می‌باشد.

همچنین یافته‌ها نشان داد که متغیرهای سن، جنسیت، سطح تحصیلات، محل سکونت، وضع فعالیت و تعلق قومی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش افراد در خصوص موقعیت ایده‌آل ازدواج می‌باشند. در این میان شهرنشینی، همگانی‌شدن آموزش و تحصیلات که از ره‌آوردهای مهم نوسازی هستند، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری نگرش‌ها و دیدگاه‌های جوانان در ارتباط با موقعیت ایده‌آل ازدواج داشته‌اند. علاوه بر این، تعلق قومی که در برگیرنده شیوه زندگی، زبان، ایده‌ها، اعتقادات و ارزش‌های خرده فرهنگی است، نیز تأثیر تعیین‌کننده و اساسی بر ایده‌ها و نگرش‌های جوانان به ازدواج داشته است.

این تغییر ایده‌ها و نگرش‌ها پیرامون زمان ازدواج از یکسو، و ناهماهنگی خرده‌نظام‌های اجتماعی و شرایط اقتصادی و اجتماعی در حال گذار ایران از سوی دیگر، ازدواج را برای جوانان - که در دوره آکنده از طوفان و فشار بسر می‌برند- به یک مسئله اجتماعی مبدل ساخته است. بر اساس یافته‌های مقاله، عوامل مختلفی در تبدیل ازدواج به مسئله اجتماعی و تغییر ماهیت آن از شکل معمول و بهنجار به شکل غیرمعمول

و ناپه‌نچار دخالت داشته‌اند که مهمترین آنها معضل بیکاری و نداشتن شغل دائم جوانان پسر در نتیجه ناکارآمدی نظام مدیریتی و اقتصادی کشور می‌باشد. علاوه بر این، عوامل دیگری نظیر مضیقه ازدواج، نداشتن حق انتخاب همسر از سوی دختران، سختگیری جوانان و والدین در امر ازدواج و افزایش سطح توقعات آنها، افزایش گرایش به تحصیلات دانشگاهی، مشکلات مربوط به تهیه مسکن و تهیه جهیزیه، سنگین بودن مهریه و تبدیل شدن آن به یک رسم اجتماعی تفاخرآمیز، دخالت والدین، گسترش بی‌اعتمادی و ترس از ازدواج، زمینه‌ساز تبدیل ازدواج به یک مسئله اجتماعی شده‌اند.

از این رو می‌توان از مسئله ازدواج بعنوان یک برساخت اجتماعی نام برد. زیرا، ریشه در عملکرد ساختارهای نهادی (بویژه ساختار اشتغال)، اجتماعی (فرایند نوسازی، تغییر در نقش‌های اجتماعی، رواج مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی در جامعه و نابرابری جنسیتی)، فرهنگی (آداب و رسوم و سنت‌های قومی فرهنگی) و شرایط جمعیت‌شناختی (عدم تعادل نسبت‌های جنسی به هنگام ازدواج) جامعه دارد. در این شرایط، امروزه پدیده ازدواج با سه مسئله محدودیت دسترسی، کاهش امکان و تمایل همراه شده است. بطوری‌که، امروزه افزایش شهرنشینی، تحصیلات و اشتغال مدرن، منجر به تغییر ایده‌ها و نقش‌های اجتماعی جدید شده است، در مواردی نیز اعمال و هنجارهای فرهنگی بعنوان مسائل و موانع پیش‌روی ازدواج عمل کرده و در نتیجه امکان و مطبوعیت ازدواج کاهش یافته و جوانان جایگزین‌های دیگری را در این زمینه برای خود متصور شده‌اند. بر این اساس ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان شاخص انتقال از دوره کودکی و جوانی به دوره بزرگسالی در مسیر زندگی اهمیت خود را از دست داده است و بیشتر مردم استقلال اقتصادی، داشتن شغل، اتمام تحصیلات و حمایت از یک خانواده را شرط انتقال به بزرگسالی می‌دانند.

بدین ترتیب مسئله ازدواج جوانان در ایران در قالب تغییرات ساختاری و نهادی رخ داده در سطح خانواده و جامعه، الزامات و ره‌آوردهای جریان نوسازی از جمله تحولات جمعیتی، شهرنشینی، آموزش و تحصیلات و اشتغال در بخش مدرن، تغییرات ایده‌ای و نگرشی مرتبط با ازدواج و همچنین هم‌زمانی این فرایندها و ارزش‌های جدید با حفظ برخی از سنت‌ها و میراث قومی فرهنگی، قابل بحث و بررسی می‌باشد.

مسئله ازدواج می‌تواند بهداشت جسمی، روانی و اجتماعی یک جمعیت را به‌خطر اندازد و موجب اختلالات روانی و آسیب‌های اجتماعی مانند افسردگی، اعتیاد، ابتلاء به ایدز، زیرپا گذاشتن تابوهای سنتی و دینی مرتبط با خویش‌داری جنسی، افزایش فاصله سنی بین والدین و فرزندان، ایجاد شکاف در سلايق و دیدگاه‌های آنها و غیره گردد. بر همین مبنای، در جامعه ایران در سال‌های اخیر برای حل مسئله ازدواج و

واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل ۱۰۷

مسائل اجتماعی مرتبط با آن، راهکار ازدواج موقت مطرح و مورد تشویق قرار گرفته است. حال آنکه در این زمینه یافته‌ها نشان داد که ازدواج موقت بعنوان یک راهکار، اعتبار و پذیرش اجتماعی ندارد و با مخالفت ارزشی شدید جوانان همراه می‌باشد. زیرا این راهکار نه تنها در رفع مشکل ازدواج جوانان کارساز نیست، بلکه زمینه‌ساز مسائل عدیده‌ای برای فرد، نهاد خانواده و نظام اجتماعی می‌شود.

بنابراین بنظر می‌رسد که سازمان‌ها و مراکز تأثیرگذار در جهت تعدیل مسئله ازدواج جوانان باید بجای تأکید بر ازدواج موقت بعنوان حل مسئله، به اصلاح و تعدیل عوامل زمینه‌ساز مسئله ازدواج دائم، به‌ویژه حل مشکل بیکاری جوانان بپردازند. در این زمینه نهاد دولت باید به تقویت نهاد خانواده کمک کرده و به ساماندهی امر ازدواج دائم بپردازد. همچنین شتاب بخشیدن به توسعه اقتصادی و افزایش اشتغال‌زایی در جامعه، فرهنگ‌سازی و تغییر باورها و ارزش‌های فرهنگی در راستای قابل پذیرش ساختن خواستگاری دختر از پسر، کاهش مهریه و هزینه‌های مراسم ازدواج از جمله تمهیدات لازم و ضروری در این مسیر می‌باشد.

منابع

- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه مهدوی و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- صادقی، رسول (۱۳۸۵)، نگرش و ایده‌آل‌های جوانان ایرانی در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده، مقاله ارائه شده در دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، ۲۸-۲۵ اردیبهشت.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴)، قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۱.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ میمنت حسینی‌چاوشی؛ پیتر مکدونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۴)، تحولات باروری در ایران؛ شواهدی از چهار استان منتخب، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- لوزیک، دانیلین (۱۳۸۳)، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مرتین، رابرت (۱۳۷۶)، مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه نوین تولایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مهدوی، محمدصادق (۱۳۷۷)، بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- میشل، آندره (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در ۲۸ استان کشور، موج دوم.

Caldwell, J. (1982) Theory of Fertility Decline. London: Academic Press.

Casterline, J. B. (2001) Diffusion Processes and Fertility Transition: Introduction, in National Research Council, Diffusion Processes and Fertility Transition: Selected Perspectives, Washington D.C: National Academy Press, pp: 1-38.

- Dixon, R.** (1971) Explaining Cross Cultural Variations in Age at Marriage and Proportions Never Marrying, *Population Studies*, 25(2): pp. 215-233.
- Eitzen, D.S and M. Bacazinn** (1992) *Social Problems*, Fifth Edition, Printed in United States of America.
- Good, W.** (1963) *World Revolution and Family Patterns*, London: Free Press of Glencoe.
- Lesthaeghe, R.** (1983) A Century of Demographic and Cultural Change in Western Europe: An Exploration of Underlying Dimensions. *Population and Development Review* 9(3): 411-436.
- McDonald, P.** (2006) Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy, *Population and Development Review* 32(3).
- Mensch, B. S, S. Singh, and J. B. Casterline** (2005) Trends in the Timing of First Marriage Among Men and Women in the Developing World. Policy Research Division Working Papers, New York: Population Council. No. 202.
- Morgan, D.** (1992) *Marriage and Society: Understanding an Era of Change*. In J. Lewis, D. Clark, D. Morgan (Eds.) *Whom God Hath Joined Together*, London: Routledge.J.
- Reynolds J, and P. Mansfield** (1999) The Effect of Changing Attitudes to Marriage on Its Stability. In *High Divorce Rates: The State of the Evidence on Reasons and Remedies*. Vol, 1. ,London: The Lord Chancellor's Department Research Secretariat.
- Stone, L.** (1979) *The Family, Sex and Marriage in England 1500-1800*, Harmondsworth: Penguin.
- Sundaram, A.** (2005) *Modernization, Life Course, and Marriage Timing in Indonesia*. Ph.D Dissertation, University of Maryland, College Park.
- Thomas, W and F. Zenanieki**, (1927) *The Polish Peasant In Europe and America*, 2 Volumes, New York.
- Thornton, A., G. Binstock, and D. Ghimire** (2004) International Networks, Ideas, and Family Change. PSC Research Report 04-566. October 2004.
- Thornton, A.** (2001) The Developmental Paradigm, Reading History Sideways, and Family Change." *Demography* 38(4): 449-465.
- Weeks, J. R.** (2002) *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, Eighth Edition, Wadworth.